

تربیت جنسی نوجوانان در نظام تعلیم و تربیت رسمی

حسین رضائی^۱، سجاد مهدیزاده^۲

مقاله پژوهشی

اصل

Original
Article

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تحلیل تربیت جنسی نوجوانان در نظام تعلیم و تربیت رسمی ایران و نقش آن در شکل‌دهی نگرشهای سالم و ارتقای سلامت روانی و اجتماعی انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر با بهره بردن از روش فراترکیب، ۱۶ مقاله منتشرشده بین سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ را بررسی کرد. مقالات در سه محور «اسناد و نظام آموزش و پرورش»، «نقش معلمان و مدارس» و «برنامه‌های درسی» تحلیل شدند. **یافته‌ها:** تحلیل داده‌ها نشان داد که سیاستهای موجود، عمدتاً بر کنترل میل جنسی تمرکز دارند و کمتر به توانمندسازی و آموزش مثبت پرداخته‌اند. تناقض میان گفتمانهای «مهار غریزه جنسی» و «بهداشت جنسی» باعث کاهش انسجام و اثربخشی برنامه‌های تربیت جنسی شده است. همچنین، معلمان به دلیل کمبود آموزشهای تخصصی و منابع حمایتی، آمادگی کافی برای ارائه آموزش مؤثر ندارند. محتوای درسی بیشتر بر جنبه‌های شناختی، نظیر بلوغ تأکید دارند و به ابعاد عاطفی و اجتماعی کمتر توجه شده است؛ در حالی که تطابق آن با مبانی فرهنگی نیز به شیوه‌ای محدودکننده صورت گرفته است. **نتیجه‌گیری:** برای بهبود تربیت جنسی در نظام آموزشی، تغییر رویکرد به توانمندسازی، تقویت جنبه‌های عاطفی و اجتماعی، ارائه آموزشهای تخصصی به معلمان و همکاری میان خانواده، مدارس و سیاستگذاران، ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: تربیت جنسی، نظام آموزش و پرورش، سیاستگذاری آموزشی، برنامه درسی، آموزش معلمان، فراترکیب.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی فرهنگ و ارتباطات، دانشکده فرهنگ ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع).

تهران، ایران. (نویسنده مسئول). تلفن همراه: ۰۹۱۵۲۶۳۲۶۹۳ / ho3einrez79@gmail.com

۲. دکترای فرهنگ و ارتباطات و معارف اسلامی. استادیار گروه فرهنگ و تربیت، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه

امام صادق. تهران، ایران. s.mahdizadeh@isu.ac.ir

الف) مقدمه

تربیت جنسی نوجوانان در نظام آموزشی ایران، به عنوان یک موضوع حیاتی، ارتباط مستقیم با سلامت جسمی و روانی نسل جوان دارد. نوجوانان در این دوران با چالشهای هویتی و اجتماعی مختلفی مواجه‌اند و نیازمند آموزشهای معتبر و علمی در زمینه مسائل جنسی می‌باشند تا نگرشهای سالم و آگاهانه‌ای در این خصوص شکل گیرد. نبود آموزشهای صحیح در این زمینه می‌تواند منجر به رفتارهای پرخطر، شیوع بیماری‌های مقاربتی و مشکلات روانی شود. پژوهشهای مختلف در این حوزه می‌تواند به شناسایی نیازها و چالشهای موجود در نظام آموزشی و همچنین ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت کمک کند. علاوه بر این، بررسی ابعاد مختلف تربیت جنسی در نظام آموزشی، به درک موانع فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند و در نهایت، به ارتقای سلامت عمومی جامعه منجر خواهد شد. هدف این پژوهش، جمع و تحلیل پژوهشهای موجود در حوزه تربیت جنسی نوجوانان و شناسایی خلأهای پژوهشی در این زمینه است تا محققان بتوانند با شناخت بهتری به پژوهشهای خود ادامه دهند.

۱. بیان مسئله

تربیت جنسی یکی از مهم‌ترین ابعاد هر نظام آموزشی است که تأثیر زیادی بر شکل‌گیری شخصیت نوجوانان و آینده زندگی خانوادگی آنان دارد. این حوزه نه تنها بر افکار و عواطف نوجوانان تأثیرگذار است، بلکه رفتارهای اجتماعی و فردی آنان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نظام آموزشی ایران، تربیت جنسی معمولاً با رویکردی مهارگرایانه و با تأکید بر جنبه‌های سلبی و تحریمی میل جنسی، به ویژه در زمینه بلوغ زودرس و تحریک‌پذیری جنسی نوجوانان ارائه می‌شود. این در حالی است که در دنیای مدرن، چالشهایی همچون تأثیر فناوری‌ها، بلوغ زودرس و ولنگاری جنسی، ضرورت رویکردی جامع‌تر و علمی‌تر را در تربیت جنسی نشان می‌دهد. در این راستا، آموزشهای جنسی باید به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر مسائل فنی و جسمانی، در آنها به مهارتهای خودمراقبتی، خویشتنداری و رشد اخلاقی نوجوانان نیز پرداخته شود.

نظام آموزشی به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی کلیدی، نقشی محوری در انتقال آگاهی‌های جنسی به دانش‌آموزان ایفا می‌کند. پژوهشها نشان داده‌اند که برنامه‌های تربیت جنسی می‌توانند تأثیرات مثبتی بر بهبود بهداشت روانی، کاهش رفتارهای پرخطر و افزایش

تربیت جنسی نوجوانان در نظام تعلیم و تربیت رسمی ♦ ۲۰۱

آگاهی‌های جنسی داشته باشند (میلر^۱، ۲۰۱۹؛ تامپسون^۲، ۲۰۱۸). در اسناد آموزشی کشور، همچون «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، به اهمیت تربیت جنسی در ابعاد مختلف، همچون بلوغ، ازدواج، تفاوت‌های جنسیتی و محافظت از دانش‌آموزان در برابر رفتارهای پرخطر تأکید شده است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). این رویکرد که مبتنی بر ارزشهای دینی و فرهنگی است، به طور خاص برای کمک به دانش‌آموزان به منظور درک مسائل جنسی و روابط میان‌فردی طراحی شده است.

به نظر می‌رسد تربیت جنسی در نظام آموزشی ایران، نیازمند رویکردی جامع و متوازن است که به طور همزمان نظریه‌های علمی، اصول فرهنگی و ارزشهای دینی را در نظر بگیرد. بررسی و تحلیل پژوهشهای دو دهه اخیر در این حوزه می‌تواند به شناسایی خلأهای موجود و تدوین راهکارهایی برای ارتقای کیفیت آموزشهای جنسی در مدارس کمک کند.

پرسشهای پژوهش

پرسش اصلی: یافته‌های مقالات تولیدشده در حوزه تربیت جنسی و نظام آموزشی در فاصله زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ چیست؟

با توجه به وجود حوزه‌های اسناد و نظام آموزش و پرورش، مدرسه، والدین و برنامه و متن کتب درسی در نسبت با تربیت جنسی، پرسشهای فرعی پژوهش عبارتند از:

- یافته‌های مقالات تولیدشده در رابطه با تربیت جنسی و حوزه اسناد و نظام آموزشی در فاصله زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ چیست؟
- یافته‌های مقالات تولیدشده در رابطه با تربیت جنسی و حوزه مدرسه در فاصله زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ چیست؟
- یافته‌های مقالات تولیدشده در رابطه با تربیت جنسی و حوزه برنامه و متن کتب درسی در فاصله زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

با جستجو در پایگاههای علمی نظیر پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات علمی مگ ایران، پرتال جامع علوم انسانی، نورمگز، سیویلیکا و درگاه کتابخانه ملی ایران، مقالات و کتب و طرحهای پژوهشی متعددی در رابطه با تربیت جنسی نوجوانان و محیط آموزشی، برنامه درسی، نظام و اسناد بالادستی

1. Miller
2. Thompson

در آموزش و پرورش احصا شده است. با توجه به روش فراترکیب، پژوهشهایی که طبق این روش به رشته تحریر درآمده‌اند نیز جستجو و یافت شد که تعداد اندک آن (یک مورد)، نشان از وجود خلأ پژوهشی با این رویکرد و روش دارد و نیاز به این قبیل پژوهشها را مشخص می‌کند.

محسن فرمehنی فراهانی (۱۳۸۰) در کتاب «دیدگاه اسلام در مورد تربیت جنسی و ارائه رؤس مطالب مناسب برای این نوع آموزش در کتب درسی»، به بررسی آموزه‌های اسلامی در زمینه تربیت جنسی و ارائه محتوای مناسب برای کتب درسی پرداخته است. این کتاب اصول اسلامی را با نیازهای تربیتی مدارس تطبیق داده است. پژوهش حاضر به تحلیل خلأهای پژوهشی مرتبط در این حوزه تمرکز دارد. فرمehنی فراهانی (۱۳۸۳) همچنین در پژوهش «محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه» راهکارهایی عملی برای تدوین محتوای آموزشی تربیت جنسی ارائه کرده است. این اثر روی مقاطع متوسطه متمرکز است؛ در حالی که پژوهش حاضر طیف گسترده‌تری از مقاطع و موضوعات مرتبط را بررسی می‌کند.

عبداللهی و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهش «بررسی نیازهای آموزش بهداشت دوران بلوغ دختران دانش‌آموز راهنمایی استان مازندران»، نیازهای بهداشتی و آموزشی دختران را در دوران بلوغ بررسی کرده است. این پژوهش از نظر تمرکز جغرافیایی و موضوعی، محدودتر از پژوهش حاضر است.

نظری (۱۳۹۸) در کتاب «راهنمای کاربردی تربیت جنسی کودک و نوجوان (ویژه والدین و مربیان) به همراه پرسش و پاسخهای کلیدی»، به ارائه راهنمایی‌های عملی در زمینه تربیت جنسی برای والدین و مربیان پرداخته است. این کتاب به لحاظ کاربردی با پژوهش حاضر که بر تحلیل پژوهشها تمرکز دارد، متفاوت است.

در کتاب «تربیت جنسی کودکان» (فینکه، ۱۳۹۸)، اصول تربیت جنسی در محیطهای فرهنگی گوناگون بررسی شده است. پژوهش حاضر بر مبانی داخلی و حوزه رسمی تعلیم و تربیت نوجوانان متمرکز است.

کلهر و دیگران (۱۳۹۸) در کتاب «تربیت جنسی نوجوانان: کتاب پسران»، به نیازهای تربیتی پسران نوجوان پرداخته است. پژوهش حاضر، جامع‌تر بوده و منابع متنوع‌تری را بررسی می‌کند.

تربیت جنسی نوجوانان در نظام تعلیم و تربیت رسمی ♦ ۲۰۳

مژگان جوادی نوری (۱۳۹۸) در کتاب «آموزش و مشاوره در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان»، روشهای مشاوره‌ای برای والدین و مربیان ارائه کرده است. این کتاب بر مهارتهای روان‌شناختی متمرکز است؛ در حالی که پژوهش حاضر به تحلیل محتوایی و سیاستگذاری می‌پردازد.

یعقوبی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «فراتحلیل اثربخشی آموزش تربیت جنسی بر متغیرهای روان‌شناختی»، تأثیر آموزش تربیت جنسی را بر متغیرهای روان‌شناختی بررسی کرده است. پژوهش حاضر، برخلاف این مقاله، به تحلیل جامع پژوهشها و شناسایی خلأها می‌پردازد. کمائی و کرم‌اللهی (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی انتقادی خط‌مشی نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان»، سیاستهای تربیتی مرتبط با تربیت جنسی را نقد کرده‌اند. پژوهش حاضر رویکردی کلی‌تر برای تحلیل منابع اتخاذ کرده است.

قلناش و محمدجانی (۱۳۹۷) در مقاله «طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت جنسی بر اساس مبانی اسلامی»، چارچوبی برای برنامه درسی تربیت جنسی ارائه داده است. تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر در این است که بر تحلیل مقایسه‌ای پژوهشها و خلأهای موجود تمرکز دارد.

حاجی‌پور و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران مبتنی بر اسناد مکتوب»، به بررسی گفتمان قالب تربیت جنسی در ایران پرداخته‌اند. پژوهش حاضر این موضوع را در کنار سایر منابع تحلیل می‌کند.

کدخدا و ابراهیم پورقوی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی نقش آموزش و پرورش و لزوم آماده‌سازی معلمان در تربیت جنسی کودکان دبستانی»، راهکارهایی برای آماده‌سازی معلمان ارائه داده است. پژوهش حاضر دیدگاه جامع‌تری از وضعیت پژوهشهای موجود ارائه می‌دهد.

علی افشار (۱۴۰۰) در مقاله «چالشهای اجرای تربیت جنسی در مدارس ایران: بررسی دیدگاه معلمان و والدین»، موانع اجرایی و فرهنگی مرتبط با آموزش تربیت جنسی را بررسی کرده است. پژوهش حاضر در مقایسه با این مقاله، نگاه جامع‌تری به منابع موجود دارد.

این پژوهشها و تعداد زیادی از پژوهشهای دیگر که در متن آورده نشده‌اند، همگی سعی کرده‌اند از یک زاویه به امر تربیت جنسی توجه داشته و تربیت جنسی در آموزش و پرورش را از همان زاویه تحلیل و بررسی کنند. نقطه تمایز و افتراق پژوهش حاضر با دیگر پژوهشهای این حوزه، این است که می‌خواهد با جمع‌آوری تمام پژوهشهای پیشین در این حوزه، به

بررسی آنها پرداخته و با ذکر نکات مثبت در پژوهشهای پیشین، خلأها و کمبودها و کاستی‌هایی را که امر تربیت جنسی و آموزش و پرورش دارد، احصا کند.

۳. چارچوب نظری

برای ورود به یک بحث نظری، گاهی به چارچوب نظری تکیه می‌شود و گاهی به چارچوب مفهومی؛ چارچوب نظری به مجموعه‌ای از نظریه‌ها، مفاهیم و اصول مرتبط با موضوع پژوهش اشاره دارد که به عنوان پایه‌ای برای تحلیل و تفسیر داده‌ها استفاده می‌شود. با توجه به گستردگی ابعاد موضوع تربیت و رشد انسان، به خصوص در موضوع تربیت جنسی و البته در زمانی که بخواهیم بر اساس رویکردی بومی مسئله را بررسی کنیم، نمی‌توان لزوماً بر پایه یک نظریه خاص و منحصر به فرد این چارچوب نظری را طرح کرد. البته نظریات متعددی در ابعاد مختلف مرتبط با تربیت جنسی قابل طرح است. این نظریه‌ها در کنار هم، امکان تحلیل چندبعدی تربیت جنسی را در نظام آموزشی ایران فراهم می‌سازند تا بتوان به طور خاص بر چالش‌ها و فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی، و سیاستگذاری متمرکز شد. برخی از نظریات قابل توجه در این موضوع به شرح ذیل است.

یک) نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی

نظریه‌های اجتماعی- فرهنگی تأکید دارند که تربیت جنسی در هر جامعه‌ای تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی آن جامعه قرار دارد. بر اساس دیدگاه ویگوتسکی (۱۹۷۸)، یادگیری از طریق تعاملات اجتماعی و بافت فرهنگی شکل می‌گیرد. تربیت جنسی به عنوان بخشی از فرایند اجتماعی شدن، در چارچوب ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه ایران جای می‌گیرد (مزیدی، ۱۳۹۲). این نظریه در سیاست‌های مهارگرایانه‌ای که بر کنترل میل جنسی تأکید دارند، بازتاب یافته است.

این نظریات، با تأکید بر تعاملات اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی، امکان بررسی چگونگی تأثیر فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایران بر سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های تربیت جنسی را فراهم می‌کنند. نظریه ویگوتسکی (۱۹۷۸) با ارائه چارچوبی برای یادگیری در بستر اجتماعی، به خوبی تبیین می‌کند که چگونه ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی در آموزش تربیت جنسی منعکس می‌شوند. این نظریه برای تحلیل سیاست‌های مهارگرایانه که در جامعه ایران رایج است، مناسب به نظر می‌رسد.

دو) نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) بر اهمیت مشاهده و الگوسازی در یادگیری تأکید می‌کند. بندورا معتقد است رفتارهای اجتماعی از طریق مشاهده مدلهای رفتاری و تعامل با دیگران یاد گرفته می‌شود. در تربیت جنسی، نقش معلمان و والدین به عنوان مدلهای رفتاری، بسیار حائز اهمیت است. پژوهشهای داخلی (قلاوند، ۱۴۰۱/ب) این دیدگاه را تأیید کرده و نشان داده‌اند که معلمان با رفتارهای خود می‌توانند تأثیر زیادی بر نگرش دانش‌آموزان داشته باشند. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷)، معلمان و والدین نقش مهمی در الگوسازی رفتارهای اجتماعی و تربیت جنسی دارند. این نظریه نشان می‌دهد که آموزش مؤثر جنسی تنها از طریق انتقال اطلاعات ممکن نیست، بلکه نیازمند مشاهده و تعاملات معنادار است. این نظریه می‌تواند توضیح دهد که چگونه نوجوانان از طریق تعامل با والدین، معلمان و همسالان، رفتارهای جنسی خود را شکل می‌دهند. همچنین، این نظریه می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی که بر تقویت تعاملات اجتماعی و اهمیت آموزش مهارت‌های ارتباطی و عاطفی به دانش‌آموزان تأکید دارند، کمک کند.

سه) نظریه رشد روانی-جنسی اریکسون

اریکسون^۱ در نظریه رشد روانی-جنسی خود، مراحل مختلف رشد انسان را بررسی می‌کند. در مرحله نوجوانی، بحران هویت در مقابل سردرگمی نقش مطرح می‌شود. این نظریه می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای درک نیازهای جنسی نوجوانان و چگونگی شکل‌گیری هویت جنسی آنان استفاده شود. (اریکسون، ۱۹۵۰)

چهار) نظریه‌های سیاستگذاری آموزشی

مدل خط‌مشی ناپیوسته لیندبلوم (۱۹۵۹)، سیاستگذاری‌ها را فرایندی تدریجی و تحت تأثیر فشارهای اجتماعی می‌داند. این نظریه در تحلیل سیاستهای تربیت جنسی در ایران نیز کاربرد دارد؛ زیرا بسیاری از سیاستها به جای تغییرات بنیادین، بر اصلاحات تدریجی و کنترل‌شده تأکید دارند. بر اساس یافته‌های افشاری و همکاران (۱۴۰۱)، سیاستگذاری‌های مربوط به تربیت جنسی در ایران به دلیل تناقضات گفتمانی، انسجام کافی ندارند.

مدل لیندبلوم (۱۹۵۹) به دلیل تطابق آن با فرایند تدریجی تغییرات در سیاستگذاری‌های آموزشی ایران، انتخاب شده است. این مدل، امکان بررسی عدم انسجام و تناقضات موجود

در سیاستگذاری‌های تربیت جنسی را فراهم کرده و به تبیین چالشهای مرتبط با تغییرات تدریجی در این حوزه کمک می‌کند.

پنج) نظریه‌های اخلاقی و تربیتی

نظریه کانت درباره اخلاق و تربیت، بر اهمیت آموزش عقلانی و ایجاد خودکنترلی در فرد تأکید دارد (کانت، ۲۰۰۳). این دیدگاه در برنامه‌های تربیت جنسی که هدف آنها پرورش ارزشهای اخلاقی و رفتار مسئولانه است، قابل اعمال است. پژوهشهای داخلی نیز نشان داده‌اند که رویکردهای اخلاق‌محور می‌توانند تأثیر مثبتی در کاهش رفتارهای پرخطر داشته باشند. (محمدی‌پویا و ایمانزاده، ۱۳۹۸)

نظریه اخلاقی کانت، با توجه به تمرکز آن بر آموزش عقلانی و خودکنترلی، به تحلیل جنبه‌های اخلاقی و پرورش رفتار مسئولانه در برنامه‌های تربیت جنسی کمک می‌کند. در جامعه‌ای که ارزشهای اخلاقی و دینی، نقش برجسته‌ای در سیاستگذاری‌ها دارند؛ این نگاه، چارچوب مناسبی برای تحلیل و طراحی برنامه‌های تربیتی ارائه می‌دهد.

۴. چارچوب مفهومی^۱

با توجه به آنچه بیان شد و گستردگی ابعاد موضوع تربیت و رشد انسان در موضوع جنسی، شاید طرح چارچوب مفهومی از طرح چارچوب نظری کارآمدتر باشد. برای ارائه چارچوب مفهومی ممکن است از نظریه‌های متعددی الهام گرفته شود؛ اما لزوماً بر پایه یک نظریه خاص استوار نیست و می‌تواند ترکیبی از ایده‌ها و مفاهیم مختلف باشد. هدف از چارچوب مفهومی، ارائه یک ساختار مفهومی برای سازماندهی و تفسیر داده‌هاست تا بتواند روابط بین متغیرها را به صورت شفاف ترسیم کند. با توجه به آنکه چارچوب مفهومی، در پژوهشهای کیفی و اکتشافی و برای ایجاد درک عمیق‌تر از پدیده‌ها بیشتر استفاده می‌شود، تمرکز این پژوهش بر ارائه توضیحی حول مفاهیم مرتبط و چارچوب کلی تحلیل مقالات مورد اشاره است. این پژوهش با هدف تحلیل سیاستگذاری‌ها، نقش مدرسه و معلمان و برنامه‌ریزی درسی در حوزه تربیت جنسی در نظام آموزشی ایران تدوین شده است.

یک) تربیت یا آموزش جنسی

برخی محققان، منظرهای مختلف در پرداخت به تربیت جنسی را به دو رویکرد کلان «تربیت جنسی» و «آموزش جنسی» دسته‌بندی می‌کنند. یکی از این دو رویکرد، مبتنی بر مبانی دینی

تربیت جنسی نوجوانان در نظام تعلیم و تربیت رسمی ♦ ۲۰۷

است و بر تربیت جنسی با محوریت اخلاق جنسی تأکید دارد و مفاهیمی مانند هویت جنسی، ازدواج آسان و بهنگام، حجاب و خویشنداری را در زیست جنسی جامعه ایرانی برمی‌سازد. رویکرد دوم که متأثر از ادبیات لیبرالیستی جامعه بین‌المللی است، بر آموزش جنسی با محوریت دانش و آگاهی جنسی تأکید دارد و احترام به حقوق اقلیت‌های جنسی، تمایز جنس و جنسیت و تأکید بر بر ساخته بودن آن را مطرح می‌کند. (صادقی و اقبالی، ۱۳۹۹: ۷۰-۵۱)

دو) تربیت و تربیت جنسی

تربیت جنسی به عنوان یکی از بخش‌های مهم تربیت عمومی و پرورش افراد، نقش اساسی در آماده‌سازی نوجوانان برای مواجهه با مسائل مختلف زندگی و ارتقای کیفیت روابط آنها دارد (اسمیت،^۱ ۲۰۲۱). در نظریه‌های تربیتی مختلف، تربیت جنسی شامل آموزش درباره جنبه‌های فیزیکی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی جنسیت است که از طریق آن، افراد توانایی‌های لازم را برای برخورد با چالش‌های زندگی جنسی خود پیدا می‌کنند و به درک بهتری از خود و دیگران دست می‌یابند (جونز و آدامز،^۲ ۲۰۲۰). تربیت جنسی نه تنها به افزایش آگاهی افراد کمک می‌کند، بلکه به تقویت مهارت‌های ارتباطی و بهبود روابط میان‌فردی نیز منجر می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۹). همچنین در پژوهش‌های علمی داخلی نیز تأکید شده است که تربیت جنسی باید با توجه به مبانی فرهنگی و مذهبی هر جامعه طراحی شود تا بتواند مؤثر واقع شود. (شریعتی و همکاران، ۱۴۰۰)

یکی از محققان معاصر این حوزه، تربیت جنسی و ابعاد آن را چنین توضیح می‌دهد: «فرد در دوره‌های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی به گونه‌ای پرورده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آنها را بپذیرد؛ قدردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را فرا گیرد؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه آن، به آرامش برسد؛ به گونه‌ای توانمند شود که عواطف و فعالیت‌های جنسی خویش را در جهت قرب الی‌الله و جلب خشنودی خداوند به کار گیرد». (فقیهی، ۱۳۸۸: ۲۰)

سه) اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی و توانمندسازی کودکان

بر اساس نگاه صاحب‌نظران، تربیت جنسی فرایندی است که از کودکی آغاز می‌شود و هدف آن، هدایت صحیح غریزه جنسی کودکان و نوجوانان است. این فرایند شامل پاسخگویی به سؤالات جنسی فرزندان، جلوگیری از انحرافات اخلاقی، و ایجاد تعادل در ارضای غرایز جنسی است. تربیت جنسی به معنای سرکوب یا تحریک بیش از حد غریزه جنسی نیست، بلکه به معنای هدایت آن در مسیر درست و سالم است. لذا تربیت جنسی باید از سنین پایین آغاز شود؛ زیرا کنجکاوی جنسی کودکان، ابتدا جنبهٔ شناختی دارد و اگر به درستی هدایت نشود، ممکن است به انحرافات اخلاقی منجر شود. در این نگاه، والدین از یک سو باید با پاسخهای مناسب و متناسب با سن کودک، به سؤالات جنسی او پاسخ دهند (بستان، ۱۴۰۲) و از سوی دیگر، بر آموزش مهارت‌های زندگی و توانمندسازی کودکان و به خصوص نوجوانان، برای برخورد با چالشهای جنسی تمرکز کنند. (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷)

آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان، مسیری مؤثر برای توانمندسازی آنان در مواجهه با چالشهای جنسی است. این آموزشها نه تنها به تقویت سلامت روانی و اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه از بروز رفتارهای پرخطر جنسی نیز جلوگیری می‌کنند. خانواده‌ها و مدارس باید با همکاری یکدیگر، فضایی امن و حمایتگر برای نوجوانان ایجاد کنند تا بتوانند با آگاهی و مسئولیت‌پذیری، از این دوران حساس عبور کنند. (مهکام و عبادی مؤید، ۱۳۹۸)

چهار) نظام آموزش و پرورش در ایران

سیستم آموزش و پرورش ایران، مسئول تربیت نسلهای آینده است و از طریق برنامه‌های درسی ملی، ارزشهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی را به دانش‌آموزان منتقل می‌کند (صافی، ۱۳۹۸). این سیستم بر تعلیم و تربیت جامع، به ویژه در زمینه‌های علمی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد (حسینی، ۱۴۰۰). نظام آموزش و پرورش ایران همچنین نقش مهمی در ترویج ارزشها و هنجارهای اجتماعی ایفا می‌کند، به ویژه در حوزهٔ تربیت جنسی که به تقویت نگرشهای سالم در نسل جوان کمک می‌کند. با این حال، این سیستم با چالشهایی نظیر کمبود منابع مالی، مشکلات نیروی انسانی و نیاز به به‌روزرسانی برنامه‌های درسی مواجه است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷). در سالهای اخیر، توجه به آموزش مهارت‌های زندگی و جنبه‌های روانی - اجتماعی دانش‌آموزان، از جمله تربیت جنسی، افزایش یافته است (احمدی، ۱۳۹۹). این سیستم تلاش می‌کند تا آموزشهای تربیتی را با فرهنگ بومی ایران و مبانی اسلامی هماهنگ سازد. (شریعتی و همکاران، ۱۴۰۰)

ب) روش پژوهش

۱. روش فراترکیب

فراترکیب، یک رویکرد ترکیبی است که با هدف یکپارچه‌سازی نتایج پژوهشهای کیفی، به شناسایی روندها، تعارضات و خلأهای پژوهشی می‌پردازد. برخلاف متاآنالیز که عمدتاً بر داده‌های کمی تمرکز دارد، این روش تلاش می‌کند تا معنا و مفاهیم نهفته در داده‌های کیفی را تحلیل و به شکل ساختاریافته ارائه کند. اساس این روش بر این فرض است که پژوهشهای کیفی موجود، حتی اگر در زمینه‌های متفاوت انجام شده باشند، می‌توانند با تحلیل ترکیبی، بینشی جامع‌تر و فراگیرتر از موضوع فراهم کنند. (ساندلوفسکی و باروسو، ۲۰۰۷)

این روش به عنوان یکی از روشهای پیشرفته در پژوهشهای اجتماعی و تربیتی، به تحلیل نظام‌مند یافته‌های کیفی می‌پردازد و هدف آن، ارائه درکی جامع و عمیق از موضوعات پیچیده است. این روش به ویژه در موضوعاتی مانند تربیت جنسی نوجوانان که ابعاد حساس فرهنگی و اجتماعی متعددی را در بر می‌گیرد، اهمیت ویژه‌ای دارد (کوپر و هگز، ۲۰۰۹). پژوهش حاضر با استفاده از این روش، تلاش می‌کند یافته‌های مرتبط با تربیت جنسی در نظام آموزشی ایران را تحلیل و الگوهای اساسی را شناسایی کند.

یک) مبانی نظری روش فراترکیب

تلفیق و ترکیب مضامین: فراترکیب به استخراج و سازماندهی مفاهیم کلیدی از میان مطالعات مختلف می‌پردازد و این مفاهیم را در قالب چارچوبی منسجم ارائه می‌دهد. (پاترسون و همکاران، ۲۰۰۱)

شناسایی تعارضات و شباهتها: این روش با تحلیل شباهتها و تفاوتها در یافته‌ها، تلاش می‌کند تعارضات موجود را روشن کند و به آنها پاسخ دهد. (توماس و هاردن، ۲۰۰۸)

حل شکافهای پژوهشی: یکی از اهداف اصلی فراترکیب، پر کردن شکافهای موجود در ادبیات موضوعی از طریق تحلیل جامع مطالعات قبلی است. (کوپر و هگز، ۲۰۰۹)

ارائه چارچوب نظری جدید: با بررسی و ترکیب یافته‌ها، این روش به توسعه چارچوبهای نظری جدید در حوزه مورد مطالعه کمک می‌کند. (میلز و هابرماس، ۱۹۹۴)

1. Sandelowski & Barroso
2. Cooper & Hedges
3. Paterson, Thorne, & Canam
4. Thomas & Harden
5. Miles & Huberman

دو) مراحل اجرای روش فراترکیب در این پژوهش

۱. **تعریف مسئله پژوهش:** اولین گام در فراترکیب، تعیین دقیق مسئله پژوهش است. در این پژوهش، سؤال اصلی چنین مطرح شده است: «چه الگوها و روندهایی از تحلیل پژوهشهای تربیت جنسی در نظام آموزشی ایران قابل استخراج است؟». این مرحله شامل تعریف متغیرهای کلیدی و تعیین مرزهای پژوهش است.

۲. **گردآوری نظام‌مند پژوهشها:** با ظهور دولت اصلاحات و تحولات اجتماعی، به ویژه در حوزه آزادی‌های اجتماعی، شتاب بیشتری در تغییرات مرتبط با مسائل جنسی در جامعه و میان جوانان پدید آمد. از دهه ۸۰ به بعد، موضوع مسائل جنسی به تدریج در فضای علمی کشور مورد توجه قرار گرفت و تحقیقات و آثار متعددی در این زمینه به نگارش درآمد. انتخاب بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳، بر اساس تحلیل کمی مقالات موجود و کفایت تعداد آنها برای پاسخگویی به نیازهای پژوهش در حوزه تربیت جنسی انجام شده است. مقالات مرتبط با تربیت جنسی طی این دوره، از پایگاههای علمی معتبر گردآوری شدند. معیارهای انتخاب، شامل وضوح اهداف پژوهش، کیفیت و اعتبار داده‌ها، درجه علمی-پژوهشی آثار و ارتباط مستقیم آنها با مباحث تربیت جنسی و نظام رسمی آموزش و پرورش بوده است. در جستجوی اولیه که در پایگاههای علمی معتبر با بهره‌گیری از کلیدواژه‌های هدفمند، نظیر «تربیت جنسی»، «آموزش و پرورش»، «اسناد»، «برنامه درسی» و «متن کتب درسی» انجام شد، تعداد ۹۲۹ پژوهش، شناسایی و پس از ارزیابی کیفی و بررسی میزان انطباق مقالات با معیارهای انتخاب، تعداد ۲۱ مقاله گزینش شد که از میان آنها، ۱۶ مقاله با معیارهای تعیین شده همخوانی داشتند و برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. این مطالعه با تمرکز بر بازه زمانی مشخص، ضمن شناسایی پژوهشهای کلیدی در حوزه تربیت جنسی، به پالایش و تحلیل آنها پرداخته و نتایج آن، مبنای مهمی برای مطالعات آتی در زمینه اصلاح و توسعه سیاستها و برنامه‌های تربیتی مرتبط با نظام رسمی آموزش و پرورش فراهم می‌کند.

۳. **غربالگری و انتخاب مقالات:** پژوهشهای انتخابی بر اساس معیارهایی نظیر روش‌شناسی، جامعه آماری و ارتباط مفهومی با موضوع، همچنین با هدف ارائه منظری جامع از تربیت جنسی انتخاب شده‌اند. در این راستا، تلاش شده است که هم مقالات حوزه نظری و هم مقالات حوزه میدانی به صورت همزمان احصا، بررسی و تحلیل شوند. به همین دلیل، ترکیبی از مقالات نظری و میدانی در این پژوهش بررسی شده‌اند. در مرحله غربالگری، پژوهشهایی که فاقد داده‌های کافی یا فاقد ارتباط موضوعی مستقیم با حوزه‌های اسناد و نظام

آموزش و پرورش، مدرسه، برنامه‌ها و متون کتب درسی بودند یا روش‌شناسی معتبری نداشتند، کنار گذاشته شدند. در این فرایند، پنج عنوان از مقالات حذف شدند؛ زیرا صرفاً به موضوع تربیت جنسی و والدین پرداخته بودند و ارتباط مستقیم با نظام تعلیم و تربیت رسمی نداشتند. بدین ترتیب، تمرکز پژوهش بر مقالاتی باقی ماند که ارتباط مفهومی و کاربردی با نظام آموزش و پرورش و تربیت رسمی داشتند.

۴. **استخراج داده‌ها:** اطلاعات کلیدی؛ شامل سال انتشار، روش تحلیل، جامعه آماری و یافته‌های اصلی، از مقالات استخراج شدند. سپس مقولات اصلی و فرعی در موضوعاتی مانند برنامه درسی، نقش معلمان و خط‌مشی‌های نظام آموزشی شناسایی شدند.

۵. **تحلیل داده‌ها:** تحلیل داده‌ها در فراترکیب، شامل شناسایی الگوها، مفاهیم کلیدی و بررسی ارتباطات میان یافته‌های مختلف است. این فرایند با تمرکز بر شفاف‌سازی مضامین و ارائه چارچوبی جامع انجام می‌شود. نتایج حاصل از تحلیل، به درک بهتر از پیچیدگی‌های موضوع و ارائه راه‌های کاربردی کمک می‌کند. سعی شده با استفاده از حیث کمی و کیفی، داده‌های موجود در مقالات، در هر یک از دسته‌بندی‌ها شناسایی شود.

۶. **ارائه یافته‌ها:** در این مرحله، یافته‌ها به صورت کلی و در قالب الگوهای استخراج شده از مقالات منتخب ارائه شدند. هدف اصلی، ارائه تصویری جامع و شفاف از موضوع، با تمرکز بر نقاط اشتراک و تفاوتها در مطالعات بررسی شده بود. این تحلیل، مبنایی برای تدوین راهبردهای عملیاتی فراهم کرد.

۷. **نتیجه‌گیری و پیشنهادها:** فراترکیب با ایجاد انسجام مفهومی میان یافته‌های مختلف، امکان شناسایی روندها و ارائه راهبردهای بهبود را فراهم می‌کند. این رویکرد، ابزار مناسبی برای توسعه سیاست‌گذاری‌ها، بازنگری در چارچوبهای آموزشی و تقویت رویکردهای تربیتی به شمار می‌رود.

ج) یافته‌ها

۱. کلیات پژوهشهای مرتبط

به منظور تدقیق بهتر منابع و دسته‌بندی محتوایی، روشی و زمانی، جدول ۱ تدوین شده است. همان‌طور که مشهود است، پژوهشها در سه دسته «اسناد و نظام آموزش و پرورش»، «مدرسه» و «برنامه و متن کتب درسی» جا گرفته‌اند. در این میان، بیشترین تعداد مقالات با ۹ پژوهش، مربوط به دسته «تربیت جنسی» و «متن و کتب درسی» و کمترین تعداد مقالات مربوط به تربیت جنسی و مدرسه با سه مقاله بوده است. از مجموع ۱۶ مقاله احصا شده، یک مقاله با

روش کمی، دو مقاله با روش کیفی-کمی و ۱۴ مقاله با روش کیفی انجام شده‌اند؛ که نشان می‌دهد پژوهشهای کیفی درصد فراوانی بالاتر و قابل توجه‌تری به نسبت مقالات کمی در این موضوع دارند و پژوهشگران تمایل بیشتری در به کارگیری این روش داشته‌اند.

جدول ۱: عناوین تمام مقالات بررسی‌شده

دسته‌بندی	عنوان	روش	سال
استاد و نظام آموزش و پرورش	۱. بررسی انتقادی خط مشی نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان	کیفی	۱۴۰۲
	۲. تعیین شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب تربیت جنسی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول متناظر با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	کیفی	۱۴۰۱
	۳. پاره حقیقت‌گویی در تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی نظام آموزشی ایران	کیفی	۱۳۹۷
	۴. تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران (وضعیت موجود) مبتنی بر اسناد مکتوب	کیفی	۱۳۹۶
مدرسه	۵. تجربه زیسته معلمان دوره اول متوسطه از تربیت جنسی: یک مطالعه پدیدارشناسی	کیفی	۱۴۰۱
	۶. واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی و ارائه چارچوب آموزشی	کیفی	۱۴۰۰
	۷. پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان	کیفی	۱۳۹۵
برنامه و متن کتاب درسی	۸. طراحی الگوی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره اول متوسطه: مدلی برآمده از نظریه داده‌بنیاد	کیفی	۱۴۰۱
	۹. پدیدارشناختی موانع برنامه درسی تربیت جنسی در مقطع متوسطه	کیفی	۱۳۹۸
	۱۰. شناسایی جایگاه برنامه درسی تربیت جنسی در نظام آموزشی	کیفی	۱۳۸۰-۱۳۹۸
	۱۱. بررسی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی مبتنی بر دیدگاه معلمان و ارائه راهکارهای مطلوب از دیدگاه متخصصان	کیفی-کمی	۱۳۹۷
	۱۲. طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت جنسی بر اساس منابع اسلامی	کیفی-کمی	۱۳۹۷
	۱۳. طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی	کیفی	۱۳۹۶

تربیت جنسی نوجوانان در نظام تعلیم و تربیت رسمی ♦ ۲۱۳

۱۳۹۵	کیفی	۱۴. الگوی برنامه درسی تربیت جنسی برای دوره نوجوانی بر اساس مبانی قرآن و روایات
۱۳۹۴	کیفی	۱۵. واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی
۱۳۸۳	کمی	۱۶. محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب متوسطه

در ادامه، هر یک از مقالات با توجه به نتیجه گیری ها و جمع بندی هایی که داشته اند، ذیل حوزه محتوایی دسته بندی شده، بررسی کرده و ضمن بیان نکات مثبت آنها در پرداختن به مسئله، خلأهای آنها را احصا می کنیم.

دسته بندی ۱: اسناد و نظام آموزش و پرورش

یک) تحلیل خط مشی و رویکردها

رویکرد مهارگرایانه: یافته ها نشان می دهد خط مشی غالب در اسناد نظام آموزش و پرورش ایران، بر اساس رویکرد مهارگرایانه طراحی شده و در آن، کنترل و مهار میل جنسی به عنوان محور اساسی در نظر گرفته شده است. این رویکرد، میل جنسی را به عنوان یک تهدید غریزی و حیوانی تلقی می کند و بیشتر بر پیشگیری و محدودیت تأکید دارد تا آموزش ایجابی و توانمندسازی نوجوانان.

مقالات «تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران» (حاجی پور و همکاران، ۱۳۹۷) و «بررسی انتقادی خط مشی نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان» (کمائی و کرم اللهی، ۱۴۰۱)، به طور ویژه این رویکرد را تحلیل کرده و نشان داده اند که این خط مشی بر حذف یا کاهش هرگونه آموزش رسمی و صریح در حوزه مسائل جنسی تمرکز دارد. به طور مشخص، این مقالات به نقش این رویکرد در ایجاد محدودیتهای زبانی و محتوایی اشاره دارند که باعث عدم آگاهی کافی دانش آموزان از موضوعات جنسی می شود.

در مقابل، مقاله «پاره حقیقت گویی در تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی نظام آموزشی ایران» (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۷)، این رویکرد را به چالش کشیده و استدلال کرده است که نگاه سلبی و محافظه کارانه به مسائل جنسی، نه تنها در رفع نیازهای دانش آموزان مؤثر نیست، بلکه ممکن است به بروز مشکلات روانی و اجتماعی نیز منجر شود. این نقد، بر ضرورت تغییر رویکرد از مهارگرایی به آموزش توانمندساز و جامع تأکید دارد.

عدم انسجام در رویکردها: سیاستگذاری‌های مرتبط با تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران حاوی دو دال گفتمانی متناقض «مهار غریزه جنسی» و «بهداشت و سلامت جنسی» است. این تناقض منجر به سردرگمی در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی شده و تأثیر مستقیمی بر کارایی این برنامه‌ها دارد. مقاله «تعیین شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب تربیت جنسی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول، متناظر با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» (افشاری و همکاران، ۱۴۰۱) به طور مفصل به این مسئله پرداخته است. در این مقاله بیان شده که این دو رویکرد نه تنها باعث عدم همسویی در اهداف آموزشی شده، بلکه موجب می‌شوند دانش‌آموزان درک صحیحی از اهداف تربیت جنسی پیدا نکنند. همچنین مقاله افشاری و همکاران (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که رویکرد مهارگرایانه معمولاً در قالب سیاستهای رسمی در برنامه‌های درسی تجلی می‌یابد؛ در حالی که مفاهیم بهداشت و سلامت جنسی به شکلی پراکنده و غیر رسمی مطرح می‌شوند. این رویکردهای متناقض باعث ایجاد شکافهای اساسی در تحقق اهداف تربیتی شده‌اند. برای مثال، در مقاله مذکور، تأکید شده است که این اختلافات نه تنها در سطوح سیاستگذاری، بلکه در مرحله اجرا نیز موجب ناکارآمدی برنامه‌ها و پراکندگی در محتوا شده است.

دو) تحلیل و جمع‌بندی اسناد و نظام آموزش و پرورش

تحلیل سیاستگذاری‌های تربیت جنسی نشان می‌دهد که چهار مقاله، از جمله: «تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران» (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷) و «بررسی انتقادی خط‌مشی نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان» (کمائی و کرم‌اللهی، ۱۴۰۱)، بر رویکردهای مهارگرایانه و تأثیر آنها بر سیاستگذاری‌ها تأکید کرده‌اند. این مقالات نقش رویکردهای سلبی در کاهش آگاهی دانش‌آموزان و ناکارآمدی محتوا را برجسته کرده‌اند. در مقابل، سه مقاله نیز بر اصلاح سیاستها تأکید داشته‌اند.

تناقض میان گفتمانهای «مهار غریزه جنسی» و «بهداشت و سلامت جنسی» در دو مقاله (از جمله: افشاری و همکاران، ۱۴۰۱)، تحلیل و تأثیر آن بر طراحی و اجرا بررسی شده است. این ناهماهنگی‌ها نشان می‌دهد که بازنگری سیاستها و ایجاد چارچوبهای منسجم برای برنامه‌ها ضروری است.

دسته‌بندی ۲: مدرسه

یک) تجربه زیسته معلمان و نقش مدرسه

صلاحیتهای معلمان: صلاحیتهای معلمان در ارائه آموزش جنسی، به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و مهارت‌های شخصیتی، ارتباطی و تربیتی اطلاق می‌شود که توانایی ایجاد فضای امن و مؤثر برای انتقال مفاهیم حساس را فراهم می‌کند. این صلاحیتهای شامل سلامت نفس، توانمندی در همدلی و بهره‌گیری از تجربیات گذشته برای بهبود شیوه‌های تدریس است. شاخصهای این صلاحیتهای عبارتند از:

- **سلامت عاطفی و روانی:** توانایی معلمان در مدیریت احساسات شخصی و ایجاد محیطی پایدار و حمایت‌کننده برای دانش‌آموزان. این شاخص به طور عمده در مقاله «تجربه زیسته معلمان دوره اول متوسطه از تربیت جنسی؛ یک مطالعه پدیدارشناسی» (قلاوند، ۱۴۰۱/الف) برجسته شده است.
- **مهارتهای ارتباطی و همدلی:** توانایی تعامل مؤثر و درک شرایط روانی و عاطفی دانش‌آموزان. این مورد نیز در مقاله قلاوند (۱۴۰۱/الف) به تفصیل پرداخته شده و نشان داده شده است که معلمان با این توانایی‌ها تأثیر بسزایی در موفقیت آموزش جنسی دارند.
- **بهره‌گیری از تجربه‌های زیسته:** استفاده از آموزشهای دوران نوجوانی و تجربیات حرفه‌ای برای ارائه محتوای مناسب و اثربخش. به این شاخص در مقاله «پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان» (دهنوی و ابراهیمی، ۱۳۹۵) اشاره شده، اما به جنبه‌های محدودی از آن پرداخته شده است.
- **توانمندسازی حرفه‌ای:** نیاز به برنامه‌های آموزشی و کارگاههای تخصصی برای ارتقای مهارتها و دانش معلمان. به این موضوع در مقاله «واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی» (قدیریان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰) به صورت غیر مستقیم توجه شده است.

تحلیل مقالات مرتبط: بررسی مقالات مرتبط با صلاحیتهای معلمان نشان می‌دهد که به شاخصهای سلامت عاطفی، مهارتهای ارتباطی و همدلی، بهره‌گیری از تجربه‌های زیسته و توانمندسازی حرفه‌ای، به درجات متفاوتی توجه شده است. شاخص سلامت عاطفی و همدلی در مقاله «تجربه زیسته معلمان دوره اول متوسطه از تربیت جنسی» (قلاوند، ۱۴۰۱/الف)،

به طور کامل تبیین شده است. در مقابل، بهره‌گیری از تجربه‌های زیسته معلمان در مقاله «پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی» (دهنوی و ابراهیمی، ۱۳۹۵)، به صورت محدودتر بررسی شده است. موضوع توانمندسازی حرفه‌ای نیز در مقاله «واکاوی جایگاه تربیت جنسی در دوره ابتدایی» (قدیریان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰)، به طور غیر مستقیم مطرح شده است. در نهایت، هیچ‌کدام از مقالات به طور جامع به همه شاخصها پرداخته‌اند؛ که نیاز به پژوهشهای جامع‌تر را نشان می‌دهد.

ضعف در توانمندسازی معلمان: ضعف در توانمندسازی معلمان به معنای نبود برنامه‌های آموزشی ساختاریافته و کارگاههای تخصصی است که برای ارتقای دانش، مهارتها و آمادگی آنها برای ارائه آموزش جنسی طراحی شده باشند. این موضوع یکی از چالشهای عمده در اثربخشی آموزش جنسی محسوب می‌شود. شاخصهای مرتبط با این ضعف عبارتند از:

- **نبود برنامه‌های تخصصی:** بسیاری از معلمان فاقد آموزش رسمی یا برنامه‌های آموزشی مشخصی در زمینه تربیت جنسی‌اند. مقاله «پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان» (دهنوی و ابراهیمی، ۱۳۹۵) به طور خاص به این چالش پرداخته و تأکید کرده است که نبود منابع و آموزشهای تخصصی، معلمان را در انتقال مفاهیم دچار ضعف کرده است.
- **کمبود کارگاههای مهارتی:** معلمان اغلب از فقدان کارگاههای عملی و فرصتهای یادگیری تجربی برای افزایش مهارتهای آموزشی شکایت دارند. این مؤلفه در مقاله «واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی» (قدیریان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰) به شکل غیر مستقیم مطرح شده، اما کمتر به ابعاد کاربردی آن پرداخته شده است.
- **عدم هم‌راستایی آموزشها با نیازهای واقعی:** آموزشهای موجود، اغلب با نیازها و چالشهای معلمان در کلاسهای درس همخوانی ندارند. مقاله «تجربه زیسته معلمان دوره اول متوسطه» (قلاوند، ۱۴۰۱/الف) به این موضوع کمتر پرداخته است و صرفاً به برخی از جنبه‌های کلی آموزش اشاره کرده است.
- **کمبود منابع علمی و راهنماهای آموزشی:** بسیاری از معلمان به دلیل فقدان منابع معتبر و ساختاریافته، در انتقال مفاهیم جنسی دچار سردرگمی می‌شوند. این موضوع در هیچ یک از مقالات بررسی شده به صورت جامع تحلیل نشده است.

تحلیل مقالات مرتبط: مقاله «پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان» (دهنوی و ابراهیمی، ۱۳۹۵) به طور ویژه به ضعف در آموزشهای تخصصی و کمبود کارگاههای آموزشی اشاره کرده است. در مقابل، مقاله «واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی» (قدیریانپور و همکاران، ۱۴۰۰) این چالشها را به صورت محدودتر و غیر مستقیم مطرح کرده است. همچنین مقاله «تجربه زیسته معلمان دوره اول متوسطه» (قلوند، ۱۴۰۱/الف) به جنبه‌های کلی آموزش و نه تخصصی بودن آن اشاره کرده و به ابعاد ضعف در توانمندسازی معلمان کمتر پرداخته است. در نهایت، نبود منابع علمی معتبر، به عنوان یک چالش اساسی، هنوز به صورت جامع در هیچ یک از مقالات بررسی نشده است.

موانع فرهنگی و اجتماعی: موانع فرهنگی و اجتماعی در حوزه تربیت جنسی به مجموعه عواملی اشاره دارد که از ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و هنجاری ناشی می‌شوند و بر تعامل بین والدین، مدارس و نظام آموزشی تأثیر منفی می‌گذارند. این موانع شامل محافظه‌کاری فرهنگی، تابوهای اجتماعی مرتبط با مسائل جنسی و کمبود تعاملات مؤثر میان والدین و مدرسه است. شاخصهای موانع فرهنگی و اجتماعی عبارتند از:

- **محافظه‌کاری فرهنگی:** محدودیتهای ناشی از نگرشهای محافظه‌کارانه که از طرح آزادانه مسائل جنسی جلوگیری می‌کند. این شاخص به طور کامل در مقاله «واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی و ارائه چارچوب آموزشی» (قدیریانپور و همکاران، ۱۴۰۰) بررسی شده است.

- **تابوهای اجتماعی:** سیاستها و هنجارهای اجتماعی که مانع گفتگو درباره مسائل جنسی در محیطهای آموزشی و خانوادگی می‌شود. مقاله «پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان» (دهنوی و ابراهیمی، ۱۳۹۵) به صورت محدود به این موضوع پرداخته است.

- **کمبود تعامل والدین و مدارس:** نبود تعامل مؤثر بین والدین و مدارس که مانع هماهنگی در تربیت جنسی دانش‌آموزان می‌شود. این مورد به شکل مختصر و غیر مستقیم در مقاله «واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی» (قدیریانپور و همکاران، ۱۴۰۰) مطرح شده است.

تحلیل مقالات مرتبط: مقاله «واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی و ارائه چارچوب آموزشی» (قدیریانپور و همکاران، ۱۴۰۰)، موانع فرهنگی و اجتماعی را به تفصیل

بررسی کرده و تأثیر محافظه‌کاری فرهنگی و تابوهای اجتماعی را برجسته ساخته است. مقاله «پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان» (دهنوی و ابراهیمی، ۱۳۹۵)، به طور محدودتر به این موضوع پرداخته و بیشتر بر حساسیتهای فرهنگی تأکید داشته است. در مقابل، سایر مقالات بررسی شده به صورت جامع به این موانع نپرداخته‌اند؛ که نشان‌دهنده خلأ پژوهشی در تحلیل عمیق این حوزه است.

دو) تحلیل و جمع‌بندی معلمان و مدرسه

تحلیل مقالات نشان می‌دهد که تربیت جنسی در نظام آموزشی ایران با چالشهای کلیدی مواجه است. در سطح سیاستگذاری، مقالات مختلف بر تناقضهای گفتگویی میان مهار غریزه جنسی و بهداشت جنسی تأکید دارند، که این موضوع موجب ناهماهنگی در طراحی و اجرای برنامه‌ها شده است (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷؛ کمائی و کرم‌اللهی، ۱۴۰۱؛ افشاری و همکاران، ۱۴۰۱). در سطح مدرسه، ضعف در توانمندسازی معلمان و عدم تعامل کافی میان والدین و مدارس، از موانع عمده شناسایی شده است (دهنوی و ابراهیمی، ۱۳۹۵؛ قدیریان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰). در سطح برنامه‌ریزی درسی نیز از تمرکز زیاد بر ابعاد شناختی و غفلت از جنبه‌های عاطفی و مهارتی انتقاد شده است. (محمدیگی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فرمehنی فراهانی، ۱۳۸۳)

جمع‌بندی نشان می‌دهد که پنج مقاله به طور جامع به این موضوعات پرداخته‌اند؛ سه مقاله به برخی جنبه‌ها اشاره کرده‌اند و دو مقاله تقریباً به این مسائل نپرداخته‌اند. بنابر این، بازنگری در سیاستگذاری‌ها، تقویت توانمندی معلمان و تدوین برنامه‌های جامع‌تر، از نیازهای اصلی برای بهبود تربیت جنسی در ایران به‌شمار می‌آیند.

دسته‌بندی ۳: برنامه‌ریزی و متن برنامه درسی

یک) تحلیل محتوای برنامه درسی

توجه به بُعد شناختی: توجه به بُعد شناختی در تربیت جنسی، به مفاهیمی نظیر بلوغ، تفاوت‌های جنسی و بهداشت جنسی اشاره دارد و هدف آن، انتقال دانش و اطلاعات اساسی به دانش‌آموزان است. این بُعد بر ارتقای آگاهی و درک علمی دانش‌آموزان از تغییرات زیستی و اجتماعی دوران بلوغ تمرکز دارد. این رویکرد در محتوای درسی فعلی به طور گسترده دیده می‌شود و در ۹ مقاله (از جمله: محمدیگی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فرمehنی فراهانی، ۱۳۸۳) بر آن تأکید شده است. این مقالات با برجسته کردن موضوعاتی همچون بهداشت فردی و تفاوت‌های جنسی، بر اهمیت دانش‌افزایی در میان دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند.

برخی مقالات مانند «پدیدارشناختی موانع برنامه درسی تربیت جنسی در مقطع متوسطه» (محمدی پویا و ایمانزاده، ۱۳۹۸) بیشتر بر موانع اجرایی تمرکز کرده و توجه کمتری به بُعد شناختی داشته‌اند. همچنین سه مقاله دیگر به صورت گذرا به این موضوع اشاره کرده‌اند. مقالاتی مانند «بررسی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی مبتنی بر دیدگاه معلمان» (محمدیگی و همکاران، ۱۳۹۷) نیز بیشتر بر جنبه‌های عاطفی و اجتماعی تأکید داشته‌اند. این یافته نشان‌دهنده نیاز به پژوهشهای جامع‌تر و تدوین چارچوبهای منسجم در برنامه‌ریزی درسی است تا به طور مؤثر به مفاهیم پایه و نیازهای روان‌شناختی و اجتماعی پاسخ داده شود.

کمبود در ابعاد عاطفی و مهارتی: کمبود در ابعاد عاطفی و مهارتی باعث غفلت از مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در آموزش جنسی می‌شود. این موضوع در مقالات «پدیدارشناختی موانع برنامه درسی تربیت جنسی» (محمدی پویا و ایمانزاده، ۱۳۹۸) و «بررسی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی» (محمدیگی و همکاران، ۱۳۹۷) بررسی شده است. مقالات مذکور تأکید دارند که عدم آموزشهای مؤثر، دانش‌آموزان را از آمادگی روانی و اجتماعی برای مواجهه با چالشهای دوره بلوغ محروم می‌کند. شاخصهای کمبود در ابعاد عاطفی و مهارتی عبارتند از:

- **مهارت‌های ارتباطی:** توانایی دانش‌آموزان برای برقراری ارتباط سالم و مؤثر با دیگران. این شاخص در مقاله محمدی پویا و ایمانزاده (۱۳۹۸) به طور مستقیم بحث شده است.

- **مهارت‌های عاطفی:** توانایی مدیریت احساسات و درک عواطف دیگران. این موضوع به طور خاص در مقاله محمدیگی و همکاران (۱۳۹۷) برجسته شده است.

- **مهارت‌های اجتماعی:** توانایی در تعاملات اجتماعی و حل مشکلات بین فردی که در مقاله محمدی پویا و ایمانزاده (۱۳۹۸) به طور محدود مطرح شده است. مقاله فرمehنی فراهانی (۱۳۸۳) بیشتر به ابعاد شناختی پرداخته و به این شاخصها توجه نکرده است. این نشان‌دهنده خلأ در پژوهشهای جامع و کاربردی در این حوزه است و نیاز به برنامه‌هایی برای تقویت مهارت‌های عاطفی و اجتماعی را مشخص می‌کند.

تطابق با مبانی فرهنگی: تطابق محتوای آموزشی با ارزشها و هنجارهای اسلامی در مقالات قلتاش و محمدجانی (۱۳۹۷) و ابراهیمی هرستانی و همکاران (۱۳۹۴) بررسی شده است. مقاله قلتاش و محمدجانی، بر هم‌راستایی با اصول اسلامی تأکید دارد؛ در حالی که مقاله

ابراهیمی هرستانی، بیشتر به خلأهای موجود در پاسخگویی به نیازهای دانش آموزان پرداخته است. شاخصهای تطابق با مبانی فرهنگی عبارتند از:

- **همسویی با ارزشهای دینی:** طراحی محتوا بر اساس اصول اسلامی که در مقاله قلناش و محمدجانی (۱۳۹۷) بررسی شده است.
- **پاسخگویی به نیازهای فرهنگی:** پرداختن به چالشها و نیازهای خاص فرهنگی که در مقاله ابراهیمی هرستانی و همکاران (۱۳۹۴) کمتر به آن پرداخته شده است.
- **توجه به جنبه‌های توسعه‌محور:** ارائه راهکارهایی برای تلفیق آموزش جنسی با اهداف توسعه فردی و اجتماعی که در هیچ‌یک از مقالات به طور جامع تحلیل نشده است.

تحلیل مقالات مرتبط: از میان مقالات بررسی شده، مقاله قلناش و محمدجانی (۱۳۹۷) بیشترین تمرکز را بر تطابق با ارزشهای اسلامی داشته است؛ در حالی که مقاله ابراهیمی هرستانی و همکاران (۱۳۹۴) به طور محدود به موانع فرهنگی اشاره کرده و جنبه‌های کاربردی را نادیده گرفته است. سایر مقالات به این موضوع پرداخته‌اند و این نشان‌دهنده خلأ پژوهشی در تحلیل جامع تطابق با مبانی فرهنگی است.

موانع اجرای برنامه‌ها: موانع اجرای برنامه‌های تربیت جنسی، شامل چالشهای ساختاری و محتوایی است که به دلیل نبود هماهنگی میان سیاستگذاری‌ها و امکانات اجرایی، اثربخشی این برنامه‌ها را کاهش داده است. این موانع در مقالات متعددی به طور متفاوت بررسی شده‌اند. شاخصهای موانع اجرای برنامه‌ها عبارتند از:

- **کمبود منابع آموزشی مناسب:** بسیاری از برنامه‌های موجود، فاقد محتوای جامع و کاربردی‌اند که بتوانند نیازهای متنوع دانش آموزان را پوشش دهند. این شاخص در مقاله «واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی» (ابراهیمی هرستانی و همکاران، ۱۳۹۴) برجسته شده است.
- **عدم وجود ساختار منسجم:** نبود چارچوبهای هماهنگ برای ادغام تربیت جنسی در سایر دروس باعث شده است که این آموزشها پراکنده و غیر مؤثر باشند. این موضوع به طور مستقیم در مقاله «پدیدارشناختی موانع برنامه درسی تربیت جنسی» (محمدی پویا و ایمان‌زاده، ۱۳۹۸) بررسی شده است.

- **نبود توانمندی اجرایی:** معلمان و کادر آموزشی معمولاً فاقد آموزشهای لازم برای اجرای مؤثر این برنامه‌ها می‌باشند. این شاخص به صورت غیر مستقیم در مقاله «واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی» (قدیریان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰) مطرح شده است.

تحلیل مقالات مرتبط: مقاله «واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش‌آموزان پسر» (ابراهیمی هرستانی و همکاران، ۱۳۹۴) بر کمبود منابع آموزشی مناسب تأکید دارد. مقاله «پدیدارشناختی موانع برنامه درسی تربیت جنسی» (محمدی پویا و ایمان‌زاده، ۱۳۹۸) به عدم وجود ساختار منسجم در برنامه‌ها پرداخته است. همچنین مقاله «واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی» (قدیریان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰) به جنبه‌های اجرایی به صورت محدود اشاره کرده است. این مقالات نشان‌دهنده نیاز به پژوهشهای جامع‌تر در این حوزه است. کمبود منابع آموزشی و عدم انسجام در برنامه‌های درسی از جمله چالشهای اصلی مطرح شده در این مقالات است.

دو) تحلیل و جمع‌بندی برنامه‌ریزی و متن برنامه‌درسی

تحلیل محتوای برنامه‌های درسی نشان می‌دهد که از میان ۱۰ مقاله بررسی شده، شش مقاله (از جمله: «طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت جنسی» (محمدیگی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فرمهنی فراهانی، ۱۳۸۳)، بیشتر بر ابعاد شناختی، مانند بلوغ و بهداشت جنسی تمرکز داشته‌اند. در مقابل، سه مقاله (از جمله: محمدی پویا و ایمان‌زاده، ۱۳۹۸)، بیشتر به موانع اجرایی پرداخته‌اند. ابعاد عاطفی و مهارتی، که اهمیت زیادی در آماده‌سازی اجتماعی و روانی دارند، تنها در دو مقاله به طور غیر مستقیم اشاره شده و هیچ مقاله‌ای به طور جامع به این ابعاد نپرداخته است. همچنین، تطابق محتوای درسی با ارزشهای اسلامی در برخی مقالات، از جمله «طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت جنسی بر اساس منابع اسلامی» (قلناش و محمدجانی، ۱۳۹۷)، به طور محافظه‌کارانه‌ای انجام شده است. این تحلیل نشان می‌دهد که ایجاد توازن میان ابعاد شناختی، عاطفی و مهارتی برای بهبود کیفیت برنامه‌های درسی ضروری است.

د) بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل یافته‌های مقالات منتخب در سه محور «اسناد و نظام آموزش و پرورش»، «نقش معلمان و مدارس» و «برنامه‌های درسی»، نشان می‌دهد که تمرکز اصلی پژوهشها بر «کنترل میل جنسی» به عنوان تهدیدی برای زندگی فضیلت‌مندانه بوده است. این رویکرد، به ویژه در تحلیل اسناد و خط‌مشی‌های نظام آموزشی، تکرار شده و از نگرش فرهنگی و مذهبی جامعه در مدیریت میل جنسی ناشی می‌شود. این تأکید در پنج مقاله از ۱۶ مقاله بررسی شده است.

محتوای کتب درسی و برنامه‌های آموزشی نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی تربیت جنسی شناخته شده و بیشترین توجه را به ابعاد شناختی، مانند آموزش بلوغ، تفاوت‌های جنسی و بهداشت جنسی، معطوف کرده است. این مسئله در ۹ مقاله تأیید شده و نشان‌دهنده تمرکز بیشتر بر بعد شناختی است که قابلیت ارزیابی و کنترل بهتر دارد. در مقابل، به ابعاد عاطفی و اجتماعی تربیت جنسی کمتر توجه شده است؛ به ویژه در محتوای کتب درسی که بُعد عاطفی به طور محسوسی ضعیف‌تر از ابعاد شناختی است.

تناقض میان دو گفتمان «مهار غریزه جنسی» و «بهداشت و سلامت جنسی» در نظام تعلیم و تربیت ایران، موجب سردرگمی در سیاستگذاری‌ها شده است. گفتمان مهار غریزه جنسی با رویکرد سلبی و محدودکننده، آموزش‌های جنسی را در چارچوب‌های اخلاقی و مذهبی محصور کرده است؛ در حالی که گفتمان بهداشت جنسی، بر آگاهی‌بخشی و توانمندسازی دانش‌آموزان تأکید دارد. این تناقض، ضمن ایجاد پراکندگی و عدم انسجام در برنامه‌های آموزشی، گاهی منجر به افزایش اضطراب و کاهش اثربخشی آموزش‌ها می‌شود.

نقش معلمان در تدریس تربیت جنسی نیز به عنوان یکی از ابعاد کمتر بررسی شده باقی مانده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ویژگی‌های شخصی و تجربه زیسته معلمان در ارائه محتوای تربیت جنسی به ندرت بررسی شده و تنها در سه مقاله به این موضوع پرداخته شده است. غفلت از این بُعد می‌تواند مانع از اثربخشی تربیت جنسی در مدارس شود.

در نهایت، بررسی نقاط قوت و ضعف پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با وجود برخی نقاط قوت، کاستی‌هایی در رویکردهای فعلی وجود دارد که رفع آنها می‌تواند به بهبود کیفیت تربیت جنسی در نظام آموزشی کمک کند.

نقاط قوت	نقاط ضعف
تمرکز بر تدوین و تحلیل محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی بر اساس مبانی فرهنگی و اسلامی	رویکرد مهارتی و سلبی در تربیت جنسی و کمبود توجه به ابعاد مثبت و توسعه‌محور آن
بررسی جامع اسناد و خط‌مشی‌های نظام آموزشی و توجه به سیاست‌های کلان تربیت جنسی	عدم توجه کافی به تجربه زیسته معلمان و نقش آنان در آموزش تربیت جنسی
استفاده از رویکردهای کیفی در تحلیل اسناد و شناسایی شکاف‌های موجود در زمینه تربیت جنسی	کمبود برنامه‌های آموزش مهارتی و توانمندسازی دانش‌آموزان برای برخورد با چالش‌های جنسی
تأکید بر اهمیت هماهنگی محتوای آموزشی با ارزش‌های فرهنگی و مذهبی جامعه	نادیده گرفتن تعاملات اجتماعی و اهمیت آموزش مهارت‌های ارتباطی و عاطفی به دانش‌آموزان

پیشنهادهای و راهکارها

۱. بازسازی سیاستهای آموزشی- تربیتی و انجام پژوهشهای بومی

- بر اساس این پژوهش به نظر می‌رسد که سیاستهای ناظر بر تربیت جنسی در تعلیم و تربیت رسمی، نیازمند تغییر رویکرد از تأکید صرف بر مهار، به سوی توسعه رویکردهای ایجابی‌اند؛ البته این تغییر سیاست، نیازمند پژوهشهایی بومی در این زمینه است. پژوهشگران باید به طور جدی به رویکردهای جامع‌تری بپردازند که نه تنها کنترل و مهار، بلکه توانمندسازی و تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی نوجوانان را نیز در بر بگیرد. این امر مستلزم ایجاد یک فضای آموزشی حمایتگر و باز است که در آن، دانش‌آموزان بتوانند بدون ترس و اضطراب به طرح مسائل خود بپردازند و از حمایت معلمان و مشاوران بهره‌مند شوند.

- برای ارتقای کیفیت تربیت جنسی در نظام آموزشی، باید به جنبه‌های مختلف تربیت، از جمله ابعاد شناختی، عاطفی، اجتماعی و مهارتی، به طور همزمان توجه شود. توجه بیشتر به ابعاد عاطفی و اجتماعی می‌تواند به بهبود کیفیت تربیت جنسی و شکل‌گیری نگرشهای سالم‌تر در دانش‌آموزان کمک کند. این موضوع به ویژه در جوامعی که روابط اجتماعی به طور سنتی با محدودیتهایی مواجه‌اند، اهمیت بالایی دارد. تقویت آموزشهای اجتماعی و عاطفی می‌تواند موجب افزایش توانایی دانش‌آموزان در ایجاد روابط میان‌فردی سالم و مسئولانه شود.

۲. بازنگری در نقش مدارس و تقویت روابط آنها با خانواده:

- تقویت نقش مدارس به عنوان نهادهای اجتماعی کلیدی در فرایند تربیت جنسی ضروری است. مدارس باید فضایی امن و حمایتگر برای دانش‌آموزان فراهم کنند تا آنان بتوانند در آن محیط از آموزشهای صحیح و کاربردی بهره‌مند شوند. این امر نیازمند همکاری میان نهادهای مختلف، از جمله خانواده، مدرسه و جامعه است تا فرایند تربیت جنسی به صورت جامع و همگرا انجام شود.

۳. آموزش تخصصی معلمان:

- بایستی به آموزش معلمان در حوزه تربیت جنسی نیز توجه شود. معلمان به عنوان اصلی‌ترین مجریان برنامه‌های تربیتی، باید از مهارت و دانش کافی برخوردار باشند تا بتوانند در نقش تسهیلگر و هدایتگر دانش‌آموزان عمل کنند. معلمان نیازمند آموزشهای

تخصصی‌اند تا بتوانند به درستی از پس چالش‌های تربیت جنسی برآیند و به دانش‌آموزان خود کمک کنند تا نگرش‌های سالم‌تر و مؤثرتری نسبت به مسائل جنسی داشته باشند.

- ایجاد کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های توانمندسازی برای معلمان می‌تواند به توسعه توانایی‌های آنان در ارائه آموزش‌های تربیت جنسی مؤثر کمک کند. به این ترتیب، معلمان نه تنها نقش آموزش‌دهنده، بلکه نقش حمایتگر و مشاور را نیز ایفا خواهند کرد که این امر می‌تواند به شکل‌گیری ارتباط نزدیک‌تر و مؤثرتر بین دانش‌آموزان و معلمان منجر شود.



منابع

- ابراهیمی هرستانی، اصغر؛ بهروز مهران و محمدجواد لیاقتدار (۱۳۹۴). «واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی». پژوهش در برنامه درسی، سال دوازدهم، ۱۷: ۲۶-۴۰.
- احمدی، سارا (۱۳۹۹). «ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی در نظام آموزش و پرورش». مجله روان‌شناسی و تربیتی، ۱۵(۲): ۱۴۵-۱۳۰.
- افشاری، محمد؛ رضا سرمدی و فائزه ناطقی (۱۴۰۱). «تعیین شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب تربیت جنسی دانش آموزان دوره متوسطه اول، متناظر با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال سی‌ام، ۵۴: ۳۳-۱۱.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۴۰۲). نظریه جنسی اسلام. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جوادی نوری، مژگان (۱۳۹۸). آموزش و مشاوره در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان. تهران: جامعه‌نگر.
- حاجی‌پور، حامد؛ رمضان برخوردار و سوسن کشاورز (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران (وضعیت موجود) مبتنی بر اسناد مکتوب». مبانی تعلیم و تربیت، سال هشتم، ۱: ۱۵۹-۱۳۶.
- حسینی، مهدی (۱۴۰۰). «چالش‌ها و راهکارهای نظام آموزش و پرورش ایران». مطالعات تربیتی، ۲۳(۱): ۶۷-۴۵.
- دهنوی، مرادیاری و فاطمه ابراهیمی شاه‌آبادی (۱۳۹۵). «پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان». علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال چهارم، ۷: ۱۱۴-۹۵.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۷). «پاره حقیقت‌گویی در تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی نظام آموزشی ایران». پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال هشتم، ۱: ۱۷۳-۱۶۰.
- شریعتی، نسرین و همکاران (۱۴۰۰). «تربیت جنسی و مبانی فرهنگی- مذهبی در نظام آموزشی ایران». تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۲(۴): ۲۳۰-۲۱۰.
- صادقی فسایی، سهیلا و ابوالفضل اقبالی (۱۳۹۹). «خوانش گفتمانی از مناقشات امر جنسی در ایران». زن در فرهنگ و هنر، ۱۲(۱): ۷۰-۵۱.
- صافی، علی (۱۳۹۸). مبانی آموزش و پرورش در ایران. تهران: مدرسه.
- عباسی، رضا و همکاران (۱۳۹۷). «تحلیل چالش‌های نظام آموزش و پرورش ایران». پژوهش‌های تربیتی، ۱۹(۳): ۱۱۰-۹۵.

- عبدالحی، فاطمه؛ بیژن شعبان‌خانی و صغری خانی (۱۳۸۳). «بررسی نیازهای آموزشی بهداشت دوران بلوغ دختران دانش‌آموز راهنمایی استان مازندران». *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، دوره چهاردهم، ۴۳: ۵۶-۶۳.
- فرمehنی فراهانی، محسن (۱۳۸۰). *دیدگاه اسلام در مورد تربیت جنسی و ارائه رؤس مطالب مناسب برای این نوع آموزش در کتب درسی*. تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- فرمehنی فراهانی، محسن (۱۳۸۳). «محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه». *دانشور رفتار (دانشگاه شاهد)*، سال یازدهم، ۹: ۱۴-۱.
- فقیهی، علینقی (۱۳۸۸). *تربیت جنسی؛ مبانی، اصول و روشها، از منظر قرآن و حدیث*. قم: دارالحديث، چ سوم.
- فینکه، رگینا (۱۳۹۸). *تربیت جنسی کودکان*. ترجمه لی لافظی. تهران: نشر و تحقیقات ذکر، چ پنجم.
- قدیریان‌پور، سمانه؛ عفت عباسی و مرجان کیان (۱۴۰۰). «واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی و ارائه چارچوب آموزشی». *نواوری‌های آموزشی*، سال بیستم، ۷۹: ۲۱۷-۲۳۸.
- قلاوند، زهره (۱۴۰۱/الف). «تجربه زیسته معلمان دوره اول متوسطه از تربیت جنسی؛ یک مطالعه پدیدارشناسی». *راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره چهارم، ۱۶: ۴۵-۳۵.
- قلاوند، زهره (۱۴۰۱/ب). «طراحی الگوی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره اول متوسطه: مدلی برآمده از نظریه داده‌بنیاد». *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، سال دوم، ۲: ۲۱-۲.
- قلاتش، عباس و صدیقه محمدجانی (۱۳۹۷). «طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت جنسی بر اساس مبانی تربیت اسلامی». *سال سوم*، ش ۳: ۱۳۰-۱۰۱.
- کدخدا، حسین و مهسا ابراهیم پورقوی (۱۳۹۴). «بررسی نقش آموزش و پرورش و لزوم آماده‌سازی معلمان در تربیت جنسی کودکان دبستانی». *همایش خانواده و تربیت جنسی*.
- کلهر، مژگان و دیگران (۱۳۹۸). *تربیت جنسی نوجوانان: کتاب پسران*. تهران: دانژه.
- کمائی، رضا و نعمت‌اله کرم‌اللهی (۱۴۰۱). «بررسی انتقادی خط مشی نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان». *تربیت اسلامی*، سال هجدهم، ۴۳: ۴۷-۲۵.
- محمدیگی، رضا؛ علیرضا فقیهی و دیگران (۱۳۹۷). «بررسی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی مبتنی بر دیدگاه معلمان و ارائه راهکارهای مطلوب از دیدگاه متخصصان». *نظریه و عمل در برنامه درسی*، سال ششم، ۱۲: ۱۶۶-۱۴۱.

تربیت جنسی نوجوانان در نظام تعلیم و تربیت رسمی ♦ ۲۲۷

- محمدبیگی، رضا؛ علیرضا فقیهی و فائزه ناطقی (۱۳۹۶). «طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی». *روانشناسی تربیتی*، سال سیزدهم، ۴۵: ۳۹-۲۱.
- محمدی پویا، سهراب و علی ایمانزاده (۱۳۹۸). «پدیدارشناختی موانع برنامه درسی تربیت جنسی در مقطع متوسطه». *دین و ارتباطات*، سال بیست و ششم، ۱ (پیاپی ۵۵): ۳۳۴-۳۰۳.
- مزیدی، م. (۱۳۹۲). *تربیت فرهنگی: روشها و مبانی*. تهران: نشر علم.
- مهکام، رضا و لیلا عبادی مؤید (۱۳۹۸). *حرفهای یواشکی: مهارتهای تربیت جنسی فرزندان با رویکرد روانشناسی اسلامی*. اصفهان: مهرستان.
- نظری، ندا (۱۳۹۸). *راهنمای کاربردی تربیت جنسی کودک و نوجوان (ویژه والدین و مربیان) به همراه پرسش و پاسخهای کلیدی*. تهران: آفتاب گیتی.
- یعقوبی، ابوالقاسم؛ محیا حسینی و فرشته مطهریفر (۱۴۰۱). «فراتحلیل اثربخشی آموزش تربیت جنسی بر متغیرهای روانشناختی». *اندازه گیری تربیتی*، ۵۰: ۳۸-۷.
- یوسفی، علیرضا (۱۳۹۹). «آموزشهای جنسی و تأثیر آن بر روابط میان فردی». *تربیت و سلامت*، ۱۰ (۳): ۸۵-۱۰۲.
- Bandura, A. (1977). **Social Learning Theory**. Prentice Hall.
- Cooper, H. & L.V. Hedges (2009). **The Handbook of Research Synthesis and Meta-Analysis**. Russell Sage Foundation.
- Erikson, Erik Homburger (1950). **Childhood and society**. New York: Norton.
- Jones, R. & P. Adams (2020). "Sexual Education and Adolescence". *Education Review*, 32(4): 300-315.
- Kant, I. (2003). **Groundwork of the Metaphysics of Morals**. Cambridge University Press.
- Lindblom, C.E. (1959). "The Science of "Muddling Through". *Public Administration Review*, 19(2): 79-88.
- Miles, M.B. & A.M. Huberman (1994). **Qualitative Data Analysis: An Expanded Sourcebook**. Sage.
- Miller, David. (2019). "The Role of Schools in Sexual Education". *Journal of Educational Sociology*, 41(1): 75-90.
- Paterson, B.L.; S. Thorne & C. Canam (2001). **Meta-study of Qualitative Health Research: A Practical Guide to Meta-analysis and Meta-synthesis**. Sage.
- Sandelowski, M. & J. Barroso (2007). **Handbook for Synthesizing Qualitative Research**. Springer.
- Smith, J. (2021). "Comprehensive Sexual Education: Theory and Practice". *Journal of Health Education*, 52(1): 25-40.

- Thomas, J. & A. Harden (2008). **"Methods for the thematic synthesis of qualitative research in systematic reviews"**. *BMC Medical Research Methodology*, 8(1): 45.
- Thompson, Alan. (2018). **"Impact of Sexual Education on Adolescent Behavior"**. *Journal of Public Health*, 29(2): 110-125.
- Vygotsky, L.S. (1978). **Mind in Society: The Development of Higher Psychological Processes**. Harvard University Press.
- Abbasi, Reza, et al. (2018). **"Analysis of the Challenges in the Iranian Educational System"**. *Educational Research Quarterly*, 19(3): 95-110.
- Afshari, Mohammad; Reza Sarmadi & Faiza Nateghi (2022). **"Identifying the Gap Between the Current and Ideal State of Sex Education for Middle School Students in Relation to the Fundamental Transformation Document of the Ministry of Education"**. *Quarterly Journal of Research in Islamic Education*, 30(54): 11-33.
- Ahmadi, Sara (2020). **"The Necessity of Life Skills Education in the Educational System"**. *Psychology and Education Journal*, 15(2): 130-145.
- Bostan (Najafi), Hossein. (2023). **Islamic Sexual Theory**. Qom: Institute for Research in Seminary and University.
- Dehnaviyari, Moradiyari & Fatemeh Ebrahimi Shahabadi (2016). **"Phenomenology of Sex Education from the Perspective of Educational Experts in Secondary Schools in Kerman City"**. *Bi-Quarterly Journal of Educational Sciences from the Islamic Perspective*, 4(7): 95-114.
- Ebrahimi Herastani, Asghar; Behrooz Mehram & Mohammad Javad Liaqatdar (2015). **"Analyzing the Neglected Curriculum for Sex Education in the Guidance School Level for Male Students"**. *Quarterly Journal of Research in Curriculum Studies*, 12(17): 26-40.
- Faqihi, Ali Naqi. (2009). **Sex Education, Foundations, Principles, and Methods from the Perspective of the Quran and Hadith (3rd ed.)**. Qom: Dar al-Hadiath Publications.
- Farmahini Farahani, Mohsen (2004). **"Appropriate Content for Sex Education in Secondary School Textbooks"**. *Bi-Monthly Scientific-Research Journal of Shahed University*, 11(9): 1-14.
- Ghadirian Pour, Samaneh; Effat Abbasi & Marjan Kian (2021). **"Investigating the Role and Position of Sex Education in Primary Education and Proposing an Educational Framework"**. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 20(79): 217-238.
- Goltash, Abbas & Sediqa Mohammadjani (2018). **"Designing a Curriculum Framework for Sex Education Based on Islamic Educational Principles"**. 3(3): 101-130.
- Hajipour, Hamed; Ramadan Barkhordi & Susan Kashavarz (2018). **"A Critical Discourse Analysis of Sex Education in the Iranian Educational System (Current Status) Based on Written Documents"**. *Journal of Foundations of Education and Training*, 8(1): 136-159.

- Hosseini, Mahdi (2021). "Challenges and Solutions in the Iranian Educational System". *Educational Studies Quarterly*, 23(1): 45-67.
- Kamayi, Reza & Nematollah Karamollahi (2022). "A Critical Review of the Iranian Educational System's Policy on Sex Education for Adolescents". *Islamic Education Quarterly Journal*, 18(43): 25-47.
- Mazidi, M. (2013). *Tarbiyat-e Farhangi: Mabani va Ravesh-ha*. Tehran: Nashr-e Elm.
- Mehkam, Reza & Leila Ebadi-Moyed (2019). *Whispered Conversations: Parenting Skills for Sexual Education of Children from an Islamic Psychology Approach*. Isfahan: Mehrestan.
- Mohammad Beigi, Reza; Alireza Faqihi & Faiza Nateghi (2017). "Designing an Ideal Sex Education Curriculum Model for Primary Schools". *Quarterly Journal of Educational Psychology*, 13(45): 21-39.
- Mohammad Beigi, Reza; Alireza Faqihi et al. (2018). "Evaluation of the Sex Education Curriculum in Primary School Based on Teachers' Perspectives and Providing Ideal Solutions from Experts' Views". *Quarterly Journal of Theory and Practice in Curriculum Studies*, 6(12): 141-166.
- Mohammadi Pouya, Sohrab & Ali Imanzadeh (2019). "Phenomenological Obstacles to the Curriculum of Sex Education in Secondary Education". *Scientific-Research Quarterly of Religion and Communications*, 26(1): 303-334.
- Qalavand, Zahra (2022). "Designing a Curriculum Model for Sex Education in the First Stage of Secondary School: A Grounded Theory Approach". *Quarterly Journal of Research in Curriculum Planning*, 2(2): 2-21.
- Qalavand, Zahra (2022). "Teachers' Lived Experience of Sex Education in the First Stage of Secondary Education: A Phenomenological Study". *Quarterly Journal of New Strategies in Educational Psychology and Sciences*, 4(16): 35-45.
- Sadeghi Fasaei, Soheila & Abolfazl Iqbali (2020). "Discourse Analysis of Sexual Issues in Iran". *Women in Culture and Art*, 12(1): 51-70.
- Saeedi Rezvani, Mahmoud. (2018). Partial Truth-Telling in the Critical Discourse Analysis of Sex Education in the Iranian Educational System. *Journal of Foundations of Education and Training*, 8(1), 160-173.
- Safi, Ali. (2019). *Foundations of Education in Iran*. Tehran: Madreseh Publications.
- Shariati, Nasrin, et al. (2021). "Sex Education and Cultural-Religious Foundations in the Iranian Educational System". *Islamic Education Quarterly Journal*, 12(4): 210-230.
- Yaghoubi, Abolghasem; Mahya Hosseini & Fereshteh Motahari Far (2022). "A Meta-Analysis of the Effectiveness of Sex Education on Psychological Variables". *Educational Measurement Quarterly Journal*, 50: 7-38.

- Yousefi, Alireza. (2020). "**Sexual Education and Its Impact on Interpersonal Relationships**". *Education and Health Quarterly Journal*, 10(3): 85-102.

